

بخش چهارم: گردش سند تجاری

منظور از گردش سند تجاری این است که یک سند تجاری پس از صدور و در طول زمان به شکل و طریق خاصی که «ظهرنویسی» نامیده میشود، موضوع دین و طلب اشخاص مختلف قرار گیرد. گردش سند تجاری با ظهرنویسی و عبارتی پشت نویسی آن آغاز می شود و با پرداخت وجه سند، حیات آن خاتمه می یابد. سند تجاری در مسیر حرکت خود، زنجیره ای از تعهدات را از خود بجای میگذارد که بموجب آن، صادرکننده و ظهرنویسها و ضامنین آنها و در برات قبول کننده آن و احياناً اشخاص ثالث، پرداخت وجه سند را در برابر دارنده تضمین کرده اند. جریان دست بدست شدن سند تجاری بعنوان یک ویژگی خاص، از نظر اقتصادی قابل تحلیل است. اقتصاد و مبادلات اقتصادی اصولاً مبتنی بر این نگاه است که هر طلبکار در وصول طلب خود حد اکثر وثائق و تضمینات را داشته باشد. با هر ظهرنویسی که بر روی یک سند تجاری صورت میگیرد، عهده جدیدی با عنوان ظهرنویس جدید بر وثائق و عهده های سابق افزوده می شود و خاطر دارنده را برای وصول طلب خود آسوده تر میکند؛ زیرا هرچه سند، حاصل ظهرنویسی افراد بیشتری باشد به این معنی است که افراد بیشتری در برابر او مسئول تأدیة وجه سند هستند و این خصوصیت، ارزش سند تجاری را ارتقاء میدهد.

۱. ماهیت ظهرنویسی

اولین دارنده سند تجاری ممکن است رأساً وجه آن را دریافت کند یا اینکه در راستای تعهداتی که ممکن است در قبال اشخاص دیگر داشته باشد آن را به طلبکار خود انتقال دهد و هکذا دریافت کننده بعدی نیز همینطور.

اینکه سند تجاری چنین قابلیت را دارد که در دست ایادی مختلف قرار گیرد در راستای یکی از اهداف مهم تأسیس و ابداع سند تجاری که همان تسهیل تجارت است می باشد. دارنده سند تجاری که طلبکار صادرکننده آن یا ظهر نویس ماقبل خود بوده، نیازی ندارد وقتی خود بدهکار دیگری است مجدداً سند تجاری جدیدی صادر نماید؛ سند تجاری

که در دست اوست و نماد و معرف مبلغی پول است می تواند این وظیفه را درباره طلبکار دارنده نیز انجام دهد. این امکان که برای اسناد تجاری پیش بینی شده تا بوسیله آن دیون خود را بدون جابجایی پول پردازند «ظهنویسی» سند تجاری نامیده میشود. بنابراین، ظهنویسی که از طریق درج عمل انتقال در پشت یا روی سند تجاری محقق می گردد عمل حقوقی است که بموجب آن حقوق ناشی از سند تجاری از ظهنویس که دارنده فعلی است به انتقال گیرنده و دارنده بعدی انتقال می یابد. همه آنچه که در مورد شرایط صحت صدور سند تجاری از جمله ماهیت حقوقی، انواع، و شرایط شکلی آن بیان شد درباره ظهنویسی نیز صدق مینماید.

در این جا لازم است یک تفاوت مهم بین صدور سند و ظهنویسی آن توضیح داده شود و آن زمانی است که ظهنویس، سند را بعنوان ظهنویسی امضاء کرده ولی به دارنده تسلیم نکرده است. در این مورد بر خلاف «صادرکننده سند» که با امضاء آن تعهد براتی برای او ایجاد نمی شود و لازم است که سند را عیناً به طرف مقابل تسلیم نماید، در ظهنویسی، با امضاء ظهنویس، تعهد براتی او در قبال منتقل الیه محقق شده و عدم تسلیم آن به وی مسئولیت ظهنویس را منتفی نمیکند.

بحث دیگر در رابطه با ظهنویسی که به صدور سند نیز مرتبط است موضوع «محل سند تجاری» است. منظور از محل سند تجاری همان وجه یا اعتباری است که باید به دارنده پرداخت شود. این وجه یا اعتبار در برات نزد براتگیر، در سفته نزد صادرکننده و در چک نزد بانک محال علیه است. وقتی که سند تجاری صادر یا ظهنویسی میشود، محل آن و عبارتی عین وجهی که باید به دارنده پرداخت شود و نزد یکی از مسئولین سند میباشد، به وی منتقل نمی گردد. بدین معنی که دارنده سند تجاری نسبت به مبلغ موجود نزد براتگیر، صادرکننده سفته یا بانک، حق عینی یا حق مالکیت پیدا نمیکند. چه بسا اصلاً سند تجاری محل نداشته باشد و به تعبیری بلامحل باشد؛ مثلاً چکی بلامحل صادر شود یا براتگیری بدون اینکه مدیون صادرکننده برات باشد مبادرت به قبول آن نماید. نداشتن

محل، هیچ خدشه ای به اعتبار سند تجاری وارد نمیکنند و امضاءکننده آن همچنان در برابر دارنده مسئول پرداخت وجه آن میباشد. بنابراین از آنجا که تعهدات مربوط به هر سند تجاری ناشی از ذات سند است و حقوق منتقله ناشی از ظهرنویسی آن نیز متکی به نفس سند تجاری است، عدم وجود محل، خللی به حقوق دارنده آن وارد نمی کند.

۲. آثار ظهرنویسی

وقتی سندی ظهرنویسی میشود، ظهرنویس در برابر منتقل الیه دارای همان موقعیتی می شود که صادرکننده اولیه آن یا ظهرنویس ماقبل در برابر وی داشته است و بدین ترتیب هر ظهرنویس با این عمل در ردیف مسئولین سند تجاری قرار می گیرد که در برابر دارنده دارای «مسئولیت تضامنی» است. ماده ۲۴۹ قانون تجارت مقرر می دارد: «برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.»

طبع مقررات حاکم بر ظهرنویسی اینگونه است که جز در موردی که سند، در وجه حامل یا در حکم در وجه حامل (براتی که در وجه حامل ظهرنویسی شده) است، ظهرنویس با وجود آنکه آن را به دیگری منتقل می کند و من بعد دارنده آن نیست، معهذا همچنان مسئول تأدیة وجه آن باقی می ماند. بنابر این زمانی که از مسئولین سند تجاری یاد می شود منظور کلیة کسانی است که در برابر دارنده سند، تأدیة وجه آن را برعهده دارند که شامل صادرکننده، ظهرنویس یا ظهرنویسها و قبول کننده برات و ضامنان آنها و ثالثی است که پرداخت وجه آن را در موعد مقرر پذیرفته و تعهد نموده است.

بموجب الزام قانونی که هریک از مسئولین سند تجاری که بواسطه امضاء سند در برابر دارنده آن دارند، قانونگذار این حق و اختیار را به وی داده که به هریک از آنان رجوع کرده و وجه سند را مطالبه کند. دارنده می تواند بدون رعایت ترتیب ظهرنویسی به یک یا چند نفر از مسئولین سند رجوع نماید. در این میان هریک از مسئولین سند تجاری که وجه آن را به دارنده پرداخت نمود، واجد کلیة حقوق قانونی دارنده شده اما فقط می تواند به

مسئولین ماقبل خود رجوع کند. این روند تا آنجا ادامه می یابد که منتهی به رجوع به کسی شود که وجه سند نزد او است. ترتیب رجوع به مسئولین در بحث برات نیز به تفصیل بیان خواهد شد.

در خصوص اسناد دروجه حامل یا در حکم دروجه حامل، همانگونه که اشاره شد انتقال از طریق قبض و اقباض صورت میگیرد و هر دارنده با تحویل آن به دارنده بعدی از دایره مسئولین سند تجاری خارج میشود. در این خصوص برابر اصل کلی، دارنده فقط میتواند به کسانی رجوع کند که سند جاری را امضاء یا پرداخت آن را بر روی سند کتباً ضمانت کرده باشند.

۳. انواع ظهرنویسی

آنچه در دو قسمت قبل بیان شد در واقع مفهوم ظهرنویسی به معنای خاص آن بود و تحت عنوان « ظهرنویسی برای انتقال » شناخته میشود. اما همواره اینگونه نیست که قید امضاء یا عبارتی در ظهر سند، به معنی انتقال سند تجاری باشد. بطور کلی سند تجاری این قابلیت را دارد در تحت انواع مختلفی از اعمال حقوقی قرار گیرد که ذیلاً اشاره میشود:

۱- ظهرنویسی برای انتقال وجه سند تجاری

ماهیت این نوع ظهرنویسی که بموجب آن وجه سند و حقوق ناشی از آن از سوی دارنده به دیگری منتقل میشود در قسمت قبل بیان شد. این نوع ظهرنویسی مصداق آتم ظهرنویسی است و گردش سند تجاری از این طریق واقع میشود.

۲- ظهرنویسی برای نمایندگی

گاهی دارنده سند تجاری بجای آنکه خود به مسئول یا مسئولین سند مراجعه کند، از طریق ظهرنویسی برای وصول وجه، انجام این امر و سایر اقدامات قانونی برای وصول وجه آن را به نماینده خود می سپارد. در مورد اشخاص حقیقی معمولاً این امر توسط وکیل دارنده سند صورت میگیرد و در مورد اشخاص حقوقی معمولاً عمل وصول وجه توسط صاحبان امضاء مجاز یا مدیران و کارمندان مسئول برای این اقدام انجام میشود. در این

حالت، دارنده در ظهر سند تجاری با تصریح به نمایندگی نماینده به وی نیابت می دهد وجه آن را وصول کرده یا در صورت لزوم از طریق وکیل دادگستری مبادرت به اقامه دعوا در محاکم نماید. در این صورت، کلیه حقوق قانونی برای اصیل محفوظ است و با ظهرو نویسی، حقوق ناشی از سند به شخص نماینده یا وکیل منتقل نمی شود.

۳- ظهرو نویسی برای توثیق سند

اشخاص برای تضمین بازپرداخت بدهی خود به دیگران بطرق مختلفی عمل میکنند؛ گاهی مالی را وثیقه بدهی قرار می دهند و گاهی نیز اشخاصی بدهی آنها را تضمین و ضمانت میکنند. این امکان و ظرفیت برای سند تجاری وجود دارد که دارنده آن که از یک سو طلبکار امضاء کنندگان سند و از سوی دیگر بابت معامله ای مدیون دیگری شده است، بدون آنکه سند تجاری را به طلبکار اخیر منتقل نماید با درج عبارت « برای تضمین بدهی یا وثیقه بدهی » در ظهر سند و امضاء آن، عین سند را بعنوان « وثیقه پرداخت بدهی خود در موعد مقرر » نزد طلبکار توثیق نماید تا چنانچه در وعده، بدهی خود را پرداخت ننمود، طلبکار بتواند وجه آن را برای خود وصول نماید. در این حالت، انتقال سند تجاری زمانی حاصل میشود که بدهکار که دارنده اولیه سند بوده و آن را در نزد طلبکار از طریق ظهرو نویسی به وثیقه گذاشته، بدهی خود را به طلبکار نپردازد. با حلول موعد و عدم پرداخت دین، بر مبنای توافق مندرج در ظهر سند، انتقال سند تجاری به طلبکار، قهراً محقق میشود و نیاز به فعل خاصی ندارد. ولی چنانچه بدهکار، در موعد مقرر، بدهی خود را نپردازد، سند تجاری قهراً فک وثیقه شده و از امضاء و ظهرو نویسی وی رفع اثر میگردد.